

حرکت و تحول از دیدگاه قرآن

● شهرام تقی‌زاده انصاری

«انسان در افق قرآن» و یک پیشگفتار است. علامه جعفری در این کتاب اصول کلی حرکت تحول را در جهان هستی و انسان را از نظر علمی و فلسفی توضیح داده و درباره مسئله کمال و تکامل و وحدت تکاملی و «عامل محرک تاریخ» سخن می‌گوید. فهرست آیات، روایات و اعلام در پایان کتاب تنظیم شده است.

۱- حرکت و تحول از دیدگاه علم و فلسفه. علامه جعفری درباره علت پذیرش حرکت جهان هستی و پویایی انسان در مجرای علم و فلسفه به دو منبع اساسی اشاره می‌کند:
الف) منبع درون ذاتی. یعنی احساس نوعی استمرار ملموس که همگی در حال اعتدال روانی در درون خود آن را درمی‌یابند. این احساس هم جنبه فیزیولوژیکی و هم جنبه روانی محض دارد.
ب) منبع برون ذاتی. یعنی واقعیت بیرون از ذات که در همه اجزا و روابط جهان هستی با نمودهای مختلف خود دیده می‌شود یا در رتبه بعد با استدلال‌های عقلی اثبات می‌گردد.
بازه کهنه‌نما. هیچ‌کس به جز نیهیلیست‌ها که حتی واقعیت خود را مورد شک و تردید قرار می‌دهند، در اصل وجود «تحول» و دگرگونی» در دو قلمرو طبیعت و انسان شک و تردید ندارند. این موضوع را فقط «زنون» در تاریخ علم و معرفت نفی کرده است. سپس در جزئیات این مسئله توضیحاتی داده می‌شود.

اصول کلی حرکت و تحول. ۱) حرکت و تحول، بدون امکان کم‌ترین تردید، قطعاً وجود دارد. ۲) حرکت و تحول انواع مختلفی دارد که در رشته‌های مختلف بررسی می‌شود. ۳) اختلاف و تنوع حرکت‌ها، اصولاً به اختلاف و تنوع مورد پذیرش حرکت در پیشبرد علوم طبیعی و معارف انسانی مربوط می‌شود. ۴) وقتی که مغز آدمی با حرکت و تحول، چه شکل بیرونی آن و چه شکل برونی‌اش



■ حرکت و تحول از دیدگاه قرآن

■ محمدتقی جعفری

■ به اهتمام: علی جعفری، کریم فیضی

■ مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۴

مقدمه. این کتاب سال‌ها نایاب بود، همین امر، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری را بر آن داشت تا نسبت به بازبینی و انتشار آن اقدام کند. کتاب شامل دو بخش و یک ضمیمه به نام



دقیق صورت می‌گیرد.

۲- «أو لم يروا كيف يبدىء الله الخلق» (عنكبوت ۱۹)
(آیا نمی‌بینید خداوند چگونه آفرینش را - در هر لحظه - آغاز می‌کند؟)

این آیه استمرار آفرینش و آغازها را گوشزد می‌کند.
۳- «و ترى الجبال تحسبها جامدة و هى تمرّ مرّ السحاب»
(نمل ۸۸)

(و تو کوه‌ها را می‌بینی و گمان می‌کنی که آنها ساکن‌اند، در صورتی که آنها مانند ابر در حرکتند)
این آیه می‌گوید که سرعت حرکت در جهان هستی به قدری زیاد است که ساکن دیده می‌شود.

۴- «و السماء ببيتاها بأيد و أنا لموسعون» (ذاریات ۴۸)
(آسمان را با قدرت خود آفریدیم و همانا ما آنها را وسعت می‌دهیم)

این آیه اصل تحول یعنی گسترش جهان هستی را بیان می‌کند که (آبه لوتر) بلژیکی نظریه‌پرداز علم فیزیک آن را به صورت «انبساط جهان» مطرح کرد.

تفاوت میان دو دیدگاه تحول طبیعی که «تکامل» را در ذات می‌بیند و تحول طبیعی وابسته به هستی هدف‌دار که «تکامل» را در ذات طبیعت نمی‌بیند، بلکه آن را در طبیعت می‌داند، منتها از کشتش هدف هستی که به هستی آفرین وابسته می‌باشد. درباره دیدگاه اول قبلاً صحبت شد و اما گروه الهیون نظر دوم را انتخاب کرده‌اند و برای اثبات آن از آیه ۱۰۶ بقره کمک گرفته‌اند که می‌گوید: «ما ننسخ من آية أو ننسها نأت بخير منها أو مثلها» (ما هیچ آیتی را از بین نمی‌بریم یا به فراموشی مردم نمی‌سپاریم، مگر این که بهتر از آن یا مثل آن را می‌آوریم).

مغایرت هدف‌دار بودن جهان با سیر تکاملی آن. روشن است که مسئله سیر تکامل هستی غیر از هدف‌دار بودن جهان هستی است که با دو دلیل اثبات می‌شود: ۱ نظم و قانون که بر همه سطوح هستی حکمفرماست ۲- استناد هستی بر خداوند هستی‌آفرین که کار باطل و بیهوده‌ای انجام نمی‌دهد:

«و ما خلقنا السماء و الارض و ما بينهما لاعبین» (انبیاء: ۱۶)

روبه‌رو می‌شود، دو نوع دریافت از خود نشان می‌دهد، یکی درک خالص اصل حرکت مثل رنگ‌ها و دیگری درک بازتابی حرکت که ذهن ما حرکت را چنان درمی‌یابد که بی‌اختیار دست به فعالیت «زمان‌سازی» می‌زند. ۵) تنوعی که در عناصر و اشکال ماده و روابط آنها مورد مشاهده قرار می‌گیرد.

۲- حرکت و تحول از دیدگاه قرآن. دو نوع آیات قرآنی به طور واضح دلالت بر حرکت و دگرگونی دارد:
نوع اول. آیات مربوط به تحولات هستی
علامه جعفری با ذکر آیات متعدد از قرآن کریم تحولات هستی و شرح‌های لازم برای آیات را می‌آورند که در اینجا برای مثال چند عدد آنها را ذکر می‌کنیم:
۱- «و إن من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم»
(حجر ۱۲)

(هیچ چیزی وجود ندارد مگر این که منابعش نزد ماست و ما آنها را نمی‌فرستیم مگر با اندازه معین)
منبع اصلی همه حقایق و نمودهای عالی هستی، ریشه مافوق طبیعی داشته و در عین حال جریان آنها در قلمرو طبیعت، امری استمراری و تدریجی است. ضمناً این جریان از روی یک محاسبه



می‌تواند بفهمد و... اما چهره انسان در قرآن از این افراط و تفریطها بدور است.

قیافه ایمانی انسان در قرآن

۱- ایمان نور خدایی. «الله ولی الذین آمنوا یخرجهن من الظلمات الی النور» (خدا یاور اهل ایمان است، آنان را از تاریکی جهل بیرون آورده و به عالم نور می‌برد)، (بقره ۲۵۷)
اگر این نور الهی در دل‌های آدمیان فروزان نشود، در میان روشنائی میلیون‌ها خورشید طبیعی، در تاریکی محض غوطه‌ور خواهد شد.

۲- ایمان پدیدآورنده محبت راستین. «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لیهم الرحمن ودا»
(انان که ایمان آورده و اعمال صالح به جای می‌آورند، خداوند رحمان برای آنان محبتی ایجاد خواهد کرد)، (مریم ۹۶)
این محبت شامل محبت به خدا، محبت خدا به آنها و محبت آنها به یکدیگر می‌شود.

۳- رابطه تقوی، ایمان و دانش. «و اتقوا الله و یعلمکم الله» (شما به خدا تقوا بورزید، خدا به شما تعلیم خواهد داد)، (بقره ۲۸۲)

۴- ایمان ضد ترس و اندوه. «فمن آمن و اصح فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون» (انعام ۴۸) رشد واقعی انسان‌ها تنها در پناه ایمان است

«فلیستجیبوا الی ولیئمنوا بی لعلمهم یرشدون» (و به من ایمان بیاورید، باشد که به رشد نایل شوند)، (بقره ۱۸۶)
«فمن اسلم فأولئک تحرّوا رشدا» (هر کس اسلام را پذیرفت، با کوشش و تکاپو، رشد را دریافته است)، (جن ۱۴)

حکومت قانون در روند تکاملی اجتماع

هر چه که واقع می‌شود و به هر شکلی که صورت می‌گیرد، مطابق محاسبه‌ای است که در جهان هستی حکمفرماست. خداوند درباره وجود محاسبه کلی می‌فرماید: «و کل شیء احصیناه فی امام مبین» (تمام اشیاء را در یک لوح آشکار، با محاسبه شمرده‌ایم)، (یس ۱۲).

(ما آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست، برای بازیچه و بازیگری نیافریده‌ایم).

نوع دوم - آیات مربوط به تحول انسان، که شامل سوره رعد آیه ۱۱، ۱۷ می‌گردد.

۳- انسان در افق قرآن

مقدمه. علامه جعفری بعد از سخن کوتاهی درباره وضعیت انسان در دو قلمرو طبیعی و روانی و با نظر به شایستگی‌ها و بایستگی‌های انسان در قرآن رابطه انسان و قرآن را این‌طور معرفی می‌کند: «قرآن کتاب انسان است و انسان نیازمند قرآن». انسان به شکل و شیوه‌ای که در قرآن مطرح شده است، در مغز هیچ متفکر و کتابی مطرح نشده است. سپس درباره محدودیت شناخت بشر در مورد انسان صحبت می‌شود و فاصله میان انسان طبیعی و انسانی که مورد شناخت خداوند است، توضیح داده می‌شود. بعد مسئله اساسی «فلسفه زندگی چیست؟» مطرح شده و نشان داده می‌شود که اطلاع بشر درباره انسان کم بوده و باید انسان را از دیدگاه قرآن معرفی کرد با اینکه این کار بسیار مشکل و وسیع است ولی با وجود این تا حدود امکان در این کتاب سعی می‌شود ابعاد مختلف انسان از نظر قرآن بررسی شود.

حقیقت انسان در قرآن. مؤلف ابتدا در مورد «حقیقت جویی»،

«حقیقت»، «جوهر» و «عرض» مسائل و تعاریفی را مطرح می‌کند و سپس می‌گوید با نظر به اینکه ما با واقعیاتی روبه‌رو هستیم که در اشکال و شرایط مختلف، آنها را صرفاً به عنوان حقایق و رویدادها درک می‌کنیم، در قرآن مجید آیه‌ای به عنوان معرفی‌کننده «حقیقت انسان» به اصطلاح فلسفی نداریم، بلکه هر چه که در مورد انسان در قرآن مطرح است، مسائلی در حد خاصیت‌ها و نموده‌های اوست.

خود طبیعی و خود انسانی. واقعیت انسان در هر دو قلمرو حیات طبیعی و حیات روانی به‌طور واضح و روشن مطرح شده است ولی مکاتبی که درباره انسان و ارزش او سخن گفته‌اند راه افراط یا تفریط را پیموده‌اند مثلاً گفته‌اند: هر چه هست «فرد» است، طبیعت انسان «پاک و معصوم» است، انسان همه واقعیت‌ها را